اسلام و واقعیت‌های نیاز جنسی زن و مرد

یکی از مسائل مهمی که امروزه و تحت تأثیر تحقیقات روانشناختی و جامعه‌شناختی برجستگی و اهمیت بیش از پیش یافته است، مسئله نیاز جنسی زنان است. بیشتر تحقیقات در این حوزه را فمینیست‌ها به راه انداختند تا اثبات کنند که در میان زن و مرد تفاوت اصیلی وجود ندارد و اگر تفاوتی هست، محصول محیط و تربیت اجتماعی است؛ اما خوشبختانه این تحقیقات به سود جریان فکری فمینسیم تمام نشد؛ بلکه به روشنی به دست آمد که زنان و مردان با وجود اشتراکات فراوان، تفاوت‌های بسیاری در ابعاد گوناگون دارند. می‌پذیریم که محیط و تربیت، تأثیرگذار و نقش‌آفرینند؛ اما این تأثیر و نقش‌آفرینی یقینا در قلمرویی است که چارچوب ژنتیک، طبیعت و فطرت اجازه می‌دهد. بی‌توجهی و ستیز جاهلانه با فطرت زن و مرد و خیال خام برچیدن بساط جنسیت در سر پختن، تاکنون هزینه‌های فراوان و خسارت‌باری را برای زنان در غرب به ارمغان آورده اســـت. زن و مرد هردو انسانند؛ اما تفاوت‌های مهمی با هم دارند که دست حکیم خداوند آن را پدید آورده است تا نقش‌های متفاوتی را به عهده بگیرند و نقش خود را به خوبی ایفا کنند. خصلت‌های متفاوت زنان و مردان، تنها برای تمایز و به انجام رساندن موفق رســـالتی است که به عهده خواهند گرفت و هرگز مایه برتری یکی بر دیگری نیست. تفاوت‌های اساسی در حوزه‌های عصب‌شناختی، فیزیولوژیک، فیزیکی و روان‌شناختی به‌صورت منطقی، تفاوت در حیطه اخلاق، حقوق و تکالیف اجتماعی را به دنبال خواهد داشت. در نوشتار حاضر به یکی از شبهاتی که در این عرصه مطرح است توجه کرده و پس از بررسی به نقد آن خواهیم پرداخت.

چکیده شبهه

نظام فقهی و حقوقی اسلام در مسئله روابط جنسی زن و مرد، عدالت را رعایت نکرده اســـت. از یک سو به مردان این اجازه را می‌دهد که تا چهار همســـر عقدی دائمی و بی‌نهایت همســـر موقت بگیرند و در هرزمان و هرمکان به نیاز جنســـی خودشان پاسخ دهند؛ اما از ســـوی دیگر زن را در چارچوب یک ازدواج و ارتباط با یک همسر محدود می‌کند. چرا زنان نمی‌توانند همانند مردان از چنین آزادی جنسی برخوردار باشند؟ زنی که به ســـبب بدرفتاری یا دوری یا ناتوانی همسر از فرصت تأمین امیال جنسی خود محروم است چه باید بکند؟! آیا باید بســـوزد و بسازد؟! چرا به چنین زنی اجازه داده نمی‌شـــود تا از طریق ارتباط موقت با مرد دیگری نیاز خود را تأمین کرده و به انواع بیماری‌ها گرفتار نشود؟!

مقدمه

هنگامی که پاره‌ای از مباحث فقهی مربوط به خانواده و روابط جنسی- عاطفی میان زن و مرد را در رساله‌های توضیح‌المسائل مرور می‌کنیم، این‌گونه به‌نظر می‌رسد که نگاه اسلام به مسئله روابط جنسی همسران، نگاهی مرد سالارانه است و فقه اسلامی توجه خاصی به نیاز جنسی زنان و خواسته‌های به حق آنها در موضوع رفتار جنسی نکرده است؛ این مســـئله وقتی برجسته‌تر و پررنگ‌تر مطرح می‌شود که گفته شود اساساً تمکین و اطاعت در موضوع رفتار جنسی، از وظایف زن در قبال مرد دانسته شده و زن مؤظف است در هرشرایط و هرزمان که مرد بخواهد (مگر عذری شرعی یا عقلی وجود داشته باشد) به خواســـته جنسی مرد پاسخ مثبت دهد؛ از این منظر مسلماً سوءفهم‌های فراوانی پدید آمده و فقه اسلامی به یک‌سونگری و در نظرگرفتن انحصاری لذت‌ها و نیازهای جنســـی مردان متهم می‌شـــود؛ این برداشت ناقص و ناموجه از منابع اســـلامی همواره دستاویز دگراندیشان و مخالفان اسلام بوده تا از این رهگذر دین الهی اسلام را به مردمحوری و زن‌ســـتیزی متهم کرده و از اعتبار و ارزش آن در قلب‌هـــا و ذهن‌های مـــردم، به‌ویژه بانوان مؤمن و دلداده به باورهای دینی بکاهند؛ در مقاله حاضر تلاش می‌کنیم به اختصار پرده‌های ابهام و سوءفهم‌ها را به کناری زده و نگاه پرفروغ دین عزیز اسلام به مسائل انســـانی، به‌ویژه نظرگاه آن بـــه جایگاه زنان و حقوق و تکالیف آنها را به‌صورتی نسبتاً جامع مرور کنیم:

زن از منظر انسان‌شناسی اسلام

یکم: اساساً نگاه اسلام و پیشوایان دین به‌وجود زن، نگاهی آمیخته با تکریم، احترام، قداســـت و احســـاس محبت است؛ زن به‌عنوان مظهر جمال و رحمت خداوند در ذهن، زبان و عمل پیامبر و امامان هدی (علیهم‌السلام) جایگاهی پرارج و منحصر به فرد دارد؛ از منظر آموزه‌های انسان‌شناختی و اخلاقی اسلام، وجود لطیف و رازآلود زن، خاستگاه خیر کثیر[1] و منبع آرامش[2] و جوشش مهربانی و محبت است؛[3] مردان هراندازه در مراتب ایمان و قرب خداوند قدمی‌برداشته و گامی نزدیک می‌شوند، به همان اندازه محبت و احساس علاقه به زنان در قلبشان افزونتر می‌شـــود؛[4] پیامبر فرمود: زنان را جز انسان‌های کریم گرامی‌نمی‌دارند و جز فرومایگان خارشان نمی‌کنند؛[5] سبک رفتار عاطفی پیامبر با دخترش فاطمه زهرا (س) و همســـرانش، به‌ویژه خدیجه کبری و نیز رفتار امامان اهل‌بیت(ع) با زنان و دخترانشـــان، بهترین گواه بر نگاه پرمهر و قداست دین به زن و زنانگی است؛ کافی است قدری بیندیشیم که حتی جایگاه فاطمه و زینب و سکینه و معصومه (س) در میان ما شیعیان چگونه است! همهٔ ما به محبت و علاقه و حتی عشق به این زنان با کرامت و متخلق به اخلاق الهی، افتخار می‌کنیم. در روزهای موالیدشان شادی کرده و در مصائب و سختی‌هایی که دیده‌اند،اشک ماتم می‌ریزیم و مویه می‌کنیم.

دوم: بـــا نگاهی گذرا به آیات قرآن کریم و روایات اهل‌بیت(ع) به روشنی قابل فهم است که ملاک و معیار ارزش آدمیان، چه زن و چه مرد، تقوا[6] و عدالت است؛ وجود زن و مرد در جوهرهٔ انسانیت، یعنی عقل، ایمان، اخلاق و عمل صالح، یکســـان است و هیچ‌کدام برتری ماهوی و ذاتی بر دیگری ندارند؛[7] در قرآن کریم دو آیه وجود دارد که از محکمات آیات قرآنی به شمار می‌رود و هرحکم و برداشت متشابه و مفهوم و گزاره ناروشنی باید در ذیل آن دو معنا شود:

آیه اول: «یقیناً فرزندان آدم را کرامت بخشـــیدیم و آنـــان را بر تصرف و تحرک در خشـــکی و دریا توان دادیم و از خوردنی‌های پاک (و ســـازگار با وجودشان) روزی کردیم و بر بســـیاری (یا همه) دیگر آفریدگان خود برتری ســـترگی دادیم»؛[8] در این آیه ســـخن از کرامت ذاتی همه فرزندانِ آدم، چه زن و چه مرد است و هر دو جنس به تاج «کرّمْنا» مکرم و محترم شمرده شده‌اند؛ البته این کرامت، کرامت غیراختیاری است و ستایشی اگر از آن هست، که هست، ستایش از قدرت و رحمت و حکمت خدای آفریننده این کرامت است؛ هرچند خداوند خود، انسان‌ها را به سبب کرامت ذاتی تکریم کرده است. مقصود از کرامت ذاتی همان تعالی و تکامل عقلی، جسمی، عاطفی و رفتاری انسان نسبت به دیگر موجـــودات و قدرت فهم و انتخاب نیک و بد و استعداد پیمودن درجات قرب خداوند و احراز مقام جامعیت اسماء و صفات حضرت حق است.[9]

آیـــه دوم: «ای مردم! همانا شـــما را از مرد و زنی آفریدیـــم و در گروه‌هـــا و قبیله‌هـــای گوناگون جای دادیـــم، تنها بـــرای اینکه یکدیگر را بهتر بشناســـید (و بتوانید بهتر با هم تعامل کنید؛ هیچ یک از تفاوت‌ها در رنـــگ، زبـــان، جغرافیا، تاریـــخ و.... هرگز مایهٔ فخر و مباهـــات و برتری‌طلبی نیســـت؛ یگانه ملاک برتری تقواست) یقیناً گرامی‌ترین شما نزد خداوند، با تقواترین شماست!»[10] این آیه از کرامتی سخن می‌گوید که آن را کرامت اکتســـابی می‌نامیم؛ کرامت اکتســـابی یعنی تلاش و تکاپو برای به دست آوردن مراتب والاتر ایمان، تخلق به خصلت‌های نیک و ستوده الهی و انجام هرچه بیشـــتر و بهتر عمل صالح؛ هرکه در این عرصه موفق‌تر و کوشاتر باشـــد از کرامت و احترام و ارزش افزون‌تر و بالاتری برخوردار خواهد شد؛ در این عرصه تفاوت ماهوی و بنیادی میان زن و مرد نیست؛ تفاوتی اگر هست، که هست، در برخی از جلوه‌های تقوا و عمل صالح است نه در ریشه و گوهر آن!

ســـوم: زن و مرد علی‌رغم اشـــتراکات فـــراوان در موضوعاتی که اتفاقاً جوهره انسانیت و سعادت ابدی آنها را بیش و پیش و بیش از هرچیز رقم می‌زند، تفاوت‌های قابل توجه و چشـــمگیری در ابعاد گوناگون، شناختی، عاطفی، فیزیکی، فیزیولوژیک و رفتاری دارند؛ اکنون در این مجال تنگ، فرصت پرداختن به این موضوع، به‌صورت تفصیلـــی وجود ندارد و باید بـــه کتاب‌هایی که در این خصوص نگاشته شده است مراجعه کنید و ما در پایان این نوشـــتار برخی از آنها را معرفی خواهیم کرد؛ اسلام دین واقع‌گرا و به تعبیر دقیق‌تر، دین فطرت گراست؛ از این رو احکام و قوانین حقوقی و اخلاقی آن، دقیقاً مبتنی بر واقعیت‌های وجودی زن و مرد و جامعهٔ انسانی است؛ اســـلام به آرمان‌ها نظر دارد و از لحاظ نظری و علمی آرمان‌گرا است، اما هرگز از واقعیت‌ها چشم نمی‌پوشد و از آن غافل نمی‌شـــود؛ بر این اساس هرآموزهٔ فقهی و حقوقی می‌بایســـت متناسب و هماهنگ با فطرت و سرشت زن و مرد باشد و این‌گونه هم هست!

اســـلام در مسئله نیاز جنســـی زن و مرد، هرگز یک‌سونگری نکرده و نیازهای مردان را بر نیازهای زنان ترجیح نداده است؛ بلکه به نیازها و امیال و خواسته‌های مشـــروع و طبیعی هر دو جنس توجه کرده و قوانین حقوقی و اخلاقی خود را بر این اســـاس ســـامان داده است؛ از آنجا که محیط و فضای زندگی مشترک باید بر اســـاس اخلاق، محبت و عشق بنا شود و همسران بیـــش و پیش از آنکه حقوق خود را از یکدیگر مطالبه کنند، با میل و رغبت و از سرعشق و محبت و گذشت به هم نگریسته و نیازهای یکدیگر را به‌صورت کامل و احترام‌آمیز پاسخ دهند. احکام و حقوق فقهی اسلام، به‌عنوان کف و حداقل مناســـبات میان زوجین مطرح می‌شود و بیش از آن با توصیه‌های اخلاقی و تربیتی بالا برده و کامل شده است؛ از این رو برای به دست آوردن نگرش اسلام به مسألهٔ مناسبات و روابط همسران، باید مجموعه احکام فقهی و آموزه‌های اخلاقی و تربیتی را باهم و یک جا ملاحظه کنیم تا در دام برداشـــت‌های ناکامل و تفسیر به رأی نیفتیم.

از آنجا که محیط و فضای زندگی مشترک باید بر اساس اخلاق، محبت و عشق بنا شود و همسران بیش و پیش از آنکه حقوق خود را از یکدیگر مطالبه کنند، با میل و رغبت و از سرعشق و محبت و گذشت به هم نگریسته و نیازهای یکدیگر را به‌صورت کامل و احترام‌آمیز پاسخ دهند. احکام و حقوق فقهی اسلام، به‌عنوان کف و حداقل مناسبات میان زوجین مطرح می‌شود و بیش از آن با توصیه‌های اخلاقی و تربیتی بالا برده و کامل شده است؛ از این رو برای به دست آوردن نگرش اسلام به مسألهٔ مناسبات و روابط همسران، باید مجموعه احکام فقهی و آموزه‌های اخلاقی و تربیتی را باهم و یک جا ملاحظه کنیم تا در دام برداشت‌های ناکامل و تفسیر به رأی نیفتیم.

حال این پرســـش مطرح می‌شـــود که چرا در مباحث فقهی و حقوقی اســـلام نیاز جنسی مردان به‌صورت پررنگ‌تر و مهم‌تری دیده شـــده اســـت؛ به‌گونـــه‌ای که مردان مجازند تا چهار همســـر دائم اختیار کـــرده و در صورت ضرورت، از ازدواج موقت هم بهره‌مند شـــوند؛ اما زنان نه تنها مجاز به داشتن بیش از یک همســـر نیســـتند، بلکه تا زمانی که در عقد مردی به ســـر می‌برند، حـــق ازدواج یا ارتباط جنسی با مرد دیگری را هم ندارند! اگر چنین است آیا این تبعیضی آشـــکار میان زن و مرد نیســـت؟! آیـــا نمی‌توان گفت اســـلام عدالت جنســـی میان زن و مـــرد را مراعات نکرده اســـت؟! آیـــا اگر زن، به هرعلت، نتواند پاسخی رضایت‌بخش از روابط جنسی خود بگیرد، ناکام نمانـــده و حق طبیعی‌اش پایمال نشده است؟!

این پرسش‌ها، پرسش‌هایی جدی و قابل تأمل است و باید به تحلیل درست و دقیق آن بپردازیم؛ برای پاسخ به این پرسش‌ها و تبیین مسئله، کوشش در تبیین این واقعیت که اسلام در موضوع نیاز جنسی چه ملاحظاتی را در نظر داشـــته و چه حکمت‌ها و ظرایفی را در این میان مورد توجه قرار داده است، بسیار راهگشاست؛

عدالت جنسی یا تبعیض جنسی؟

شکی نیست که در احکام فقهی، در موضوع روابط جنسی، نوعی تبعیض میان زن و مرد وجود دارد؛ اما این تبعیض عادلانه است نه ظالمانه! هنگامی تبعیض، ناعادلانه و ستمکارانه است که دو فرد، که از هرجهت در وضعیت یکسان قرار دارند، بهره نامساوی دریافت کنند و نصیب نامتوازن ببرند؛ اما اگر تبعیض بر اساس حکمت و با ملاحظه تفاوتی اســـت که با هم دارند، نه تنها ناعادلانه نیســـت که عین عدالت و انصاف خواهد بود! با این مقدمه می‌خواهیم به پاره‌ای از حکمت‌ها و ظرافت‌هایی که قانونگذار حکیم اسلام در نظر داشته و بر اســـاس آن، زن و مرد را در موضوع رفتار جنسی، به‌صورتی یکسان ندیده است و در امر کامروایی جنسی، میانشان تبعیض قائل شده است، اشاره کنیم:

تفاوت مردان و زنان در محرک‌های جنسی

۲. بر اســـاس تحقیقات روانشناختی، مردان و زنان از لحـــاظ محرک‌های جنســـی هم بـــا یکدیگر تفاوت قابل‌توجهی دارند؛ محرک‌های جنسی مردان، اغلب از راه چشـــم و پس از آن از راه گوش و حس بویایی فعال می‌شود؛ در حالی که زنان، اغلب از طریق حس شنوایی و پس از آن از طریق حس لامسه تحریک جنسی می‌شوند؛ بر این اساس و به سبب فزونی فوق‌العاده محرکات بصری (خصوصاً در زمانه ما) مردان در سطح بسیار وسیع‌تری نسبت به زنان، تحریکات جنسی را تجربه می‌کنند؛ عدم پاسخگویی مشـــروع و بهنجار به نیاز جنسی می‌تواند مردان را به سمت فساد و جنایت‌های جنسی سوق دهد؛ در حالی که زنان اغلب مادام که از طریق حس لامســـه یا محرکات سمعی خاص جنسی، تحریک نشوند، میل جنسی را تجربه نمی‌کنند.

نگاه اســـلام به زن نگاهی سرشار از کرامت و قداســـت و پاکی است؛ خداوند غیور اســـت و زن مؤمن، ناموس خداســـت؛ خداوند دوست دارد و می‌خواهد که زن بـــا کرامت و بزرگـــواری و احترام زندگی کند و در زیر دســـت و پای مردان هوس‌باز تحقیر و خوار نشـــود؛ حکمت بســـیاری از احکام پوشـــش و روابط اجتماعی با نامحرمـــان و محدودیت‌هایی که برای زنان و مردان در شـــریعت اســـلام مطرح شده اســـت، همین حراســـت و مصونیت از کرامت زنان است.

شاید سر تأکیدهای فراوان دین مبین اسلام بر عفاف زنان از یک سو و پرهیز از چشم‌چرانی در مردان از سوی دیگر، به سبب همین تفاوت فیزیولوژیک و روان‌شناختی زنان و مردان باشـــد؛ هرچند همه مؤمنان اعم از زن و مرد، مکلف به رعایت پوشـــش لازم و پرهیز از نظربازی شهوت‌انگیز هستند.

تفاوت در الگوی عشق

۳. در پژوهش‌های روانشناختی مربوط به تفاوت‌های فردی، به اثبات رسیده است که امیال جنسی زنان شدیداً تحت تأثیر هیجانات و احساسات عاطفی آنهاست؛ مردان اغلب عشـــق‌باز و زنان عشـــق ورزند. آنچه برای مردان در ارتباط با زنان در اولویت قرار دارد، لذت جنســـی و مردی دســـت دراز کرده و کام جنسی را تمنا کند، در حقیقت به پایمال شدن کرامت و قداست خود رضایت داده است؛ زن تنها مجاز است که تن خود را در اختیار مردی قرار دهد که روح زن را دوست دارد و برای همه وجود او ارزش و احترام قائل است و از جسم او به روح او نقب می‌زند، نه آنکه از جســـمش کام گیرد و روح او را حقیر و پست شمارد! زنان، منشأ و حامل نسل سالم اجتماعند و باید این امانت را به خوبی حفظ کرده و به مقصد برسانند؛ روابط متعدد و خارج از چارچوب خانواده، نســـل سالم و انتساب‌های روشن را در هاله‌ای از ابهام و تردید فرو می‌برد و همین امر موجب اختلال در روابط عاطفی و مسئولیت‌های حقوقی، اخلاقی و تربیتی پدران و فرزندان می شـــود؛ مردان به ندرت حاضر می‌شـــوند مسئولیت حقوقی و تربیتی فرزندان دیگران را به عهده گیرند و رابطه جنسی زنان با مردان بیگانه، این مشکلات را فراوان پدید می‌آورد.

پاداش الهی برای زنان خویشتندار

۵. وقتـــی از نظرگاه اخلاق دینـــی به این موضوع می‌نگریم، پنجرهٔ روشـــن دیگری به ســـوی ما گشوده می‌شود؛ توضیح این حقیقت این است که مسلما زنان مؤمن و عفیف در پـــاره‌ای از موارد، متحمل ناکامی‌ها و محرومیت‌های جنســـی می‌شوند و از پاکدامنی خود به‌عنوان امانت الهی به قیمت از دست دادن فرصت‌های لذت‌بخش کامیابی جنسی محافظت می‌کنند؛ اگر این از خودگذشتگی و تحمل سختی و ناکامی، برای نگاهبانی از عفت و سلامت روانی و معنوی جامعهٔ انسانی، پاداشی در خـــود و عوضی متناســـب از جانب خداوند حکیم و رحیم نداشته باشد، ظلمی آشکار رخ می‌دهد و ستمی نامحبـــوب بر زنان می‌رود؛ آنچه از آیات کریمه قرآن و روایات اهل‌بیت(ع) می‌فهمیم این است که هرعمل و هر تلاشی که از زن و مرد مؤمن برای قرب الی‌الله و دوری از گناه و آلودگی سر می‌زند، پاداشی به وسعت رحمت و لطف خداوند به دنبال دارد؛[11] از این رو محدودیت زنان در امر ارضای میل جنسی و دیگر فداکاری‌هایی که در راه انجام تکالیف دینی و حفظ بنیان خانواده و ساختن فرد و جامعه‌ای متعالی و متکامل از خود نشان می‌دهند، یقینا اســـتحقاق پاداش دنیایی و اخروی فراوان دارد و خداوند بهترین وفاکننده به وعده‌های خویش است![12]

پاداش خداوند در انتظار زنان صبور

۶. در مواردی که زن به علت ناتوانی جنسی همسر و یا شرایط خاص او، از جمله برخی از شغل‌ها که مستلزم سفرهای متعدد و طولانی است ،از محرومیت‌های جنسی رنج می‌برد، می‌تواند در خواست طلاق کرده و در صورتی که مرد نخواهد یا نتواند شـــرایط رضایت‌بخشی برای اومهیا کند، از او جدا شود و با مرد دیگری ازدواج کند؛ اگر شرایط زندگی زن، به‌گونه‌ای است که جدا شدن از همســـر هزینه‌های فراوان و بیش از طاقت او را در پی داشـــته و یا جدایی او به فروپاشـــی خانواده می‌انجامد و یا رفتاری برخلاف منش اخلاق انســـانی است (مثلا همسرش بیمار است و ناتوانی جنسی او ناشی از بیماری است) و... بی‌تردید ماندن و شکیبایی زن بر محرومیت‌ها و ناکامی‌ها، رفتاری اخلاقی و ارزشمند است و چنانکه پیشتر گفتیم، پاداش وسیع الهی را در دنیا و آخرت در پی خواهد داشت؛ خداوند مهربان، ذره‌ای کار خیر و نیک را بی‌پاسخ نگذاشته[13] و بنده‌ای را که برای خشنودی او، بر سر تمناهای نفسانی‌اش (هرچند برای او مباح باشد) پای بگذارد و رضایت او را بر رضایت خویش مقدم دارد، اجری بی‌حساب خواهد داد![14]

۷. بهتریـــن توصیه برای زنان در شـــرایطی که باید محرومیت‌های جنســـی را تحمل کننـــد و برای ارضای مشروع راهی ندارند، این است که با مدیریت انرژی‌های جنســـی و بردن آن به سمت فعالیت‌های هنری، فکری، ورزشی، اجتماعی و معنوی و در پیش گرفتن رژیم غذایی مناســـب،مانع از آسیب‌های جسمی‌و روحی خود شوند؛ عـــلاوه بر این باید از تمرکز بیش از حد بر نیاز جنســـی (به‌عنوان مثـــال نظربازی، دیدن عکس‌هـــا و فیلم‌های محرک، گفت‌وگو درباره مسائل جنسی،...) که به شعله‌ور شـــدن آتش نیاز می‌انجامد، بپرهیزند و بکوشـــند که با خودگویی‌هـــای منطقی و آرام کننـــده و انس با عبادت و تـــلاوت قرآن و یادکرد مداوم پاداش‌های الهی و درس گرفتن از زندگی زنانی که همین شـــرایط را با صبوری و پاکدامنی پشت‌سر گذاشته و می‌گذارند، موقعیت پیش آمده را به‌عنوان واقعیتی که باید با آن ســـازگار شـــوند، بپذیرند و با آن سازگار شوند؛ البته نیک می‌دانیم که این موضوع، بحثی پردامنه و مهم است ولی افسوس که این نوشتار گنجایش پرداختن به آن را بیش از این اندازه ندارد!

اسلام در مسئله نیاز جنسی زن و مرد، هرگز یک‌سونگری نکرده و نیازهای مردان را بر نیازهای زنان ترجیح نداده است؛ بلکه به نیازها و امیال و خواسته‌های مشروع و طبیعی هر دو جنس توجه کرده و قوانین حقوقی و اخلاقی خود را بر این اساس سامان داده است.

نگاه اسلام و پیشـــوایان دین به‌وجـــود زن، نگاهـــی آمیخته بـــا تکریم، احترام، قداســـت و احســـاس محبت اســـت؛ زن به‌عنوان مظهـــر جمال و رحمت خداوند در ذهن، زبان و عمل پیامبر و امامان هدی (علیهم‌الســـلام) جایگاهی پـــرارج و منحصر به فـــرد دارد؛ از منظـــر آموزه‌های انسان‌شناختی و اخلاقی اسلام، وجـــود لطیـــف و رازآلـــود زن، خاستگاه خیر کثیر و منبع آرامش و جوشش مهربانی و محبت است.

زن محـــور و قلب خانواده اســـت و باید تمـــام احساســـات و عواطف خود را در محیـــط خانـــه و در ارتباط با همســـر و فرزندانش متمرکز کنـــد و اعضای خانـــواده را از مهربانـــی و محبت خود ســـیراب کنـــد؛ ایجاد و ابـــراز علاقه و عشـــق زن به مردی غیر از همســـر، به معنای مرگ تدریجی خانواده اســـت.

این است که بدون تردید، زن محور و قلب خانواده است و باید تمام احساسات و عواطف خود را در محیط خانه و در ارتباط با همسر و فرزندانش متمرکز کند و اعضای خانواده را از مهربانی و محبت خود سیراب کند؛ ایجاد و ابراز علاقه و عشق زن به مردی غیراز همسر، به معنای مرگ تدریجی خانواده است؛ زن مادامی که دل به مردی نســـپارد، نمی‌تواند رابطهٔ جنسی رضایت‌بخشی را با او تجربه کند و علاقه به غیرهمسر و ایجاد رابطه جنسی با او، مهر پایانی بر وجود و کارآیی خانوادهٔ است! زنان هرگز نمی‌توانند در آن واحد، دو مرد را دوست بدارند و به هردو وفادار بمانند و از هردو کام بستانند؛ علاقه به غیرهمسر مســـاوی با بی‌علاقگی و نفرت از همسر است و نفرت از همسر، یعنی فروپاشی خانواده! اسلام به موضوع خانواده توجه ویژه دارد و خانواده را بهترین و مؤثرترین محیط برای پرورش اســـتعدادهای الهی و انسانی و مقدمه‌ای ضروری و جایگزین ناپذیر برای ساختن جامعه‌ای سالم و پویـــا می‌داند؛ از این رو هرچیز را که به بنیان خانواده آسیب رساند و آن را دچار اختلال کند بر نمی‌تابد و با آن مخالفت کرده و می‌ســـتیزد؛ زن، قلب خانواده است و تنها می‌تواند و باید برای یک خانواده بتپد و آرامش و عشق و امید را در آن بر پا نگه دارد!

کرامت زن

۴. پیشتر گفتیم که نگاه اسلام به زن نگاهی سرشار از کرامت و قداست و پاکی است؛ خداوند غیور است و زن مؤمن ناموس خداست؛ خداوند دوست دارد و می‌خواهد که زن با کرامت و بزرگواری و احترام زندگی کند و در زیر دســـت و پای مردان هوس باز تحقیر و خوار نشود؛ حکمت بســـیاری از احکام پوشـــش و روابط اجتماعی با نامحرمـــان و محدودیت‌هایی که برای زنان و مردان در شـــریعت اسلام مطرح شـــده است، همین حراست و مصونیت از کرامت زنان اســـت؛ رابطهٔ جنســـی زن با مردان بیگانه، گدایی‌کردن لذت جنسی از مردان هوس باز است؛ خداوند زن را مظهر ناز، غرور و تکبر و مرد را مظهر نیاز و طلب و نازکشی آفریده و این وضعیت همواره از زنان در برابر درشتی و خشونت مردان محافظت کرده است؛ زنی که در پی ارضای میل جنسی خود به سوی عشق‌بازی است؛ در حالی که توجه اصلی و اولی زنان به عشق‌ورزی و ارتباط عاشقانه و عاطفی است. زنان اغلب در رابطه جنسی به دنبال تقویت عشق و تعمیق روابط عاطفی هســـتند؛ زنان (جز روســـپیان که بیمار و سرد مزاجند) نمی‌توانند بـــا مردی که به او علاقه‌ای ندارند یا از دســـت او دلخور و آزرده‌خاطرند، رابطه جنســـی رضایت‌بخشی برقرار کنند؛ زنی که می‌خواهد تن خود را در اختیار لذت‌جویی مردی قرار دهد، ابتدا باید دل به او باخته باشد و گرنه قادر به ایجاد رابطه‌ای ارضاکننده و آرامش‌بخش نیست؛ تحقیقات روانشناختی می‌گوید: زنان اغلب در روابط جنســـی، هنگامی به ارگاسم و اوج لذت جنسی می‌رسند که پیش از آن، از لحاظ هیجانی و عاطفی به سطح مطلوبی از رضایت‌خاطر رسیده باشند؛ فراوان زنانی را ســـراغ داریم که به سبب ناخرسندی از ازدواج و انتخاب خود یا به ســـبب مشکلات ارتباطی با همسر، در طول سال‌های ازدواج، موارد اندکی از تجربه ارگاسم (اوج لذت جنسی) را گزارش می‌کنند؛

این در حالی است که میل جنسی مردان به‌صورت مؤثـــری تحت تأثیر حالات عاطفی آنها قرار ندارد؛ مرد می‌تواند با زنی که اصلا او را دوســـت ندارد و حتی از او متنفر است، رابطه جنسی برقرار کند و از او کام گیرد! از ایـــن واقعیت باید به حقیقت مهمی نقب بزنیم و آن کامل و رضایت‌بخش به نیاز جنسی مردان را ندارند؛ از این رو نیاز جنسی مردان فراوانی بیشتری دارد و اسلام هم که دین فطرت اســـت به آنان اجازه داده است تا به نیاز طبیعی و مداوم خود پاسخ دهند و از گناه و فساد دور مانند؛ اساســـاً حتی با نگاه طبیعی و تکاملی اگر به جنس نر و ماده توجه کنیم، جنس نر از لحاظ فیزیولوژیک جنسی، تفاوت چشمگیری با جنس ماده دارد؛ بدن زنان در هر دوره جنسی، اغلب یک تخمک و به ندرت دو یا چند تخمک را بارور کرده و برای لقاح آماده می‌کند و این تخمک به خودی خود، تنها توانایی ایجاد یک فرد انسانی را داراست؛ در حالی که بدن مردان در هرآمیزش، بیش از چهارصد میلیون اسپرم آزاد می‌کند که هرکدام از اسپرم‌ها، صلاحیت ایجاد یک انسان را دارد! جنس نر به‌صورت طبیعی فاعل است و میل دارد اسپرم‌های خود را منتشـــر و تکثیر کند و جنس ماده منفعل و گیرنده است و منتظر می‌ماند تا جنس نر او را برای جفتگیری انتخاب کند!

منابع جهت مطالعه بیشتر

حیـــدری، مجتبی، ویژگی‌هـــا، تفاوت‌ها و نیازهای عاطفی زنان و مردان، قم: مؤسســـهٔ آموزشی پژوهشی امام خمینی(ره)، ۱۳۸۸.

ریدلی، جین، تفاوت‌های جنسی زن و مرد، ترجمه: بهزاد رحمتی، تهران: توانا، ۱۳۸۴.

منطقی، مرتضی، زن شـــرقی- مرد غربی (بررسی تفاوت‌های روانشناختی زن و مرد)، تهران: بعثت، ۱۳۹۰.

منطقی، مرتضی، بهداشت روانی در عشق شورانگیز، تهران: بعثت، ۱۳۹۰.

منطقی، مرتضی، روان شناســـی عشـــق شورانگیز، تهران: بعثت، ۱۳۹۰.

*** مرکز مطالعات و پاســـخگویی به شبهات حوزه علمیه**

۱. امام صادق(ع) می‌فرماید: «أَکثَرُ الخَیرِ فِی النِّساءِ؛ بیشترین خیر و برکت در وجود زن نهاده شـــده اســـت.»؛ حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل‌الشیعه، قم: مؤسسه آل‌البیت، ۱۴۰۹ق، ج۲۰، ص۲۴.
۲.«و از نشانه‌های او اینکه همسرانی از جنس خودتان برای شما آفریـــد تا در کنار آنان آرامش یابید و در میانتان مودّت و رحمت قرار داد؛ در این نشانه‌هایی است برای گروهی که تفکّر می‌کنند.»؛ روم، آیـــه ۲۱. ۳. پیامبر اعظم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) می‌فرمایند: «نِعْمَ الْوَلَدُ الْبَنَاتُ مُلْطِفَاتٌ مُجَهِّزَاتٌ مُؤْنِسَـــاتٌ مُبَارَکَاتٌ مُفَلِّیَاتٌ؛ دختران، چه خوب فرزندانی هستند، مهربان و سازگار، کمک‌رسان، فراهم‌کننـــده راحتی و اهل انس و الفت، پر خیر و برکت، نظیف و پاکیزه هســـتند.»؛ کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، کافی، قـــم: دارالحدیـــث، ۱۴۲۹ق، ج۱۱، ص۳۳۶. «الْبَنَاتُ مُبَارَکَاتٌ مُحَبَّبَاتٌ وَ الْبُنُونَ مَبْشَـــرَاتٌ وَ هُنَّ الْبَاقِیَاتُ الصَّالِحَاتِ؛ دختران، با برکت، دوســـت داشـــتنی و باقیات‌الصالحات هستند و پسران، بشارت‌دهنده و شادکننده هســـتند.»؛ نوری، حسین بن محمد تقی، مســـتدرک الوسائل، قم: مؤسسه آل‌البیت، ۱۴۰۸ق، ج۱۵، ص۱۱۵. ۴. مجلســـی، محمدباقر بن محمدتقی، بحارالأنوار، بیـــروت:دار إحیاء التـــراث العربـــی، ۱۴۰۳ق، ج۱۰۰، ص۲۲۸. ۵. «خَیْرُکُـــمْ خَیْرُکُمْ لِأَهْلِهِ وَ أَنَا خَیْرُکُمْ لِأَهْلِی ما أکرم النِّســـاء إلّا کریم و لا أهانهنّ إلّا لئیم؛ بهترین شـــما کسی است که برای خانواده خویش بهترین باشـــد و من از همه شـــما برای خانواده خـــود بهترینم، بزرگمردان و انســـان‌های کریـــم، زنان را گرامی شـــمارند و فرومایگان ،زنان را خوار دارند.»؛ ابوالقاســـم، پاینده، نهج‌الفصاحة، تهران: دنیای دانش، ۱۳۶۳، ص۴۷۲. ۶. منظور از تقوا آراستگی به همه فضایل و خصلت‌های نیک فکری، عاطفی و رفتاری و پیراسته بودن از رذیلت‌ها در همه مراتب وجود انسانی اســـت؛ همچنان که امام علی(ع) در روایتی می‌فرماید: «التَّقْوَی رَئِیسُ الْأَخْلَاقِ؛ تقوا و خداترسی سرآمد خصلت‌های نیکوست.»؛ تمیمی آمـــدی، عبدالواحد بن محمد، غررالحکم و دررالکلم، قم: دارالکتـــاب الإســـلامی، ۱۴۱۰ق، ص۴۳. ۷. أحـــزاب، آیه ۳۵. ۸. اسراء، آیه ۷۰. ۹. برای آگاهی بیشتر، رجوع کنید به تفسیر المیزان ذیل تفسیر همین آیه کریمه. ۱۰. حجرات، آیه ۱۳. ۱۱. أعراف، آیه ۱۵۶. ۱۲. توبه، آیه ۱۱۱. ۱۳. زلزال، آیه ۷ ۱۴. قَالَ اللهُ عَزَّ وَ جَلَّ: «وَ عِزَّتِی وَ جَلَالِی وَ عَظَمَتِی وَ بَهَائِی وَ عُلُوِّ ارْتِفَاعِی لَا یُؤْثِرُ عَبْدٌ مُؤْمِنٌ هَوَایَ عَلَی هَوَاهُ فِی شَیْءٍ مِنْ أَمْرِ الدُّنْیَا إِلَّا جَعَلْتُ غِنَاهُ فِی نَفْسِهِ وَ هِمَّتَهُ فِی آخِرَتِهِ وَ ضَمَنْتُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضَ رِزْقَـــهُ وَ کُنْتُ لَهُ مِنْ وَرَاءِ تِجَارَةِ کُلِّ تَاجِرٍ؛ خداوند عزّوجلّ می‌فرماید: به عزّت و جلال و عظمت و شـــکوه و بلندی جایگاهم سوگند که هیچ بنده مؤمنی در چیزی از امور دنیا خواست مرا بر خواست خودش مقدّم ندارد، مگر اینکه به او غنای نفْس بخشم و همّ و غمش را مصروف آخرت سازم و آسمان‌ها و زمین را ضامن روزی او قرار دهم و از پس ت